

The Conceptual Elements of Criminal Negligence and Its Effects in Iranian Criminal Law

Sina Khorram*

*Master's Graduate, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of
Humanities, Shahed University, Tehran, Iran*

Abdolali Tavajohi

*Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of
Humanities, Shahed University, Tehran, Iran*

Abstract

Criminal negligence is a degree of the mental element of a crime. Given its importance, clarifying its characteristics is essential. The unintentional nature of a crime does not eliminate the need for a mental element; as such crimes require specific mental processes and behavioral traits. Although negligence, as part of the mental element, is secondary to criminal intent, their shared aspects necessitate a comprehensive and precise definition of negligence to clarify its conceptual components and criteria. This approach helps delineate the ambiguous boundaries and overlaps between negligence and other criminal law concepts, as well as its implications for criminal responses. Using a descriptive-analytical method, this study addresses: What are the conceptual components of criminal negligence, and in which crimes is it recognized? Findings indicate that the voluntary commission of unconventional behavior foreseeably leading to an unjustifiable criminal outcome, without requiring intent in preparatory stages and with an established causal relationship, constitutes criminal negligence. The Islamic Penal Code of 2013 demonstrates that negligence-based crimes have expanded in Iran's criminal legislation, encompassing concepts like unintentional causation in homicide, medical liability, liability from another's conduct, bankruptcy, and certain crimes against judicial justice, all shaped around criminal negligence.

Keywords: Criminal Negligence, Criminal Fault, Negligent Behavior, Unintentional Crime, Mental Element, Imprudence, Carelessness

* **Email:** sina.khorram76@gmail.com (Corresponding Author)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۸، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۲۹ تا ۶۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

ارکان مفهومی تقصیر جزایی و آثار آن در حقوق کیفری ایران

|سینا خرم*| دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

|عبدالعلی توجهی| دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

تقصیر جزایی یکی از مراتب رکن روانی جرم است که این مهم، ضرورت تبیین خصوصیات آن را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد، زیرا جرم غیرعمدی به معنای بی‌نیازی پدیده مجرمانه از احراز رکن روانی نبوده و این‌گونه جرائم نیز از ضرورت احراز فعل‌وانفعالات ذهنی و خصوصیات رفتاری به خصوصی برخوردارند. هرچند تقصیر به عنوان جزئی از عنصر روانی جرم، در طول عمد جزایی قرار می‌گیرد، اما اشتراک این دو مفهوم در برخی از جهات، ارائه ارکان و ضوابط مفهومی در پرتو یک تعریف جامع و مانع از تقصیر را ضرورت می‌بخشد تا از این طریق، مرزهای مبهم و مشترک تقصیر با مفاهیم کیفری دیگر و همچنین آثار آن در واکنش کیفری، مورد شناسایی قرار گیرد. از این رو، نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که تقصیر جزایی از چه ارکان مفهومی تشکیل شده است و این مفهوم در کدام یک از جرائم مورد شناسایی قرار گرفته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتکاب اختیاری

رفتار نامتعارفی که نتیجه مجرمانه غیرقابل توجیهی را عرفاً محتمل می‌سازد، بدون نیاز به اراده در مقدمات و با احراز رابطه سببیت میان آنها، تقصیر جزایی را محقق می‌سازد. با تدقیق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز کاملاً هویدا است که جرائم تقصیری در نظام تقنین کیفری ایران تا حدودی بسط پیدا کرده و مفاهیمی مانند تسبیب غیرعمدی در جنایت، ضمان پزشک، مسئولیت ناشی از رفتار دیگری، ورشکستگی و برخی از جرائم علیه عدالت قضائی، همگی دائرمدار تقصیر جزایی شکل گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: تقصیر جزایی، خطای کیفری، رفتار تقصیری، جرم غیرعمدی، رکن روانی، بی‌احتیاطی، بی‌مبالا‌تی.

مقدمه

رکن روانی جرم بی‌تردید یکی از موضوعاتی است که در طول تاریخ، مورد تحول و تغییر قرار گرفته و ارزیابی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب در شکل‌گیری جرم، همواره در دیدگاه اندیشمندان کیفری مورد چالش و تحول بوده است. اگر نسبت به تاریخ اندیشه‌ورزی حقوق کیفری به صورت خطی نگاه شود، اصولاً نگاه به رکن روانی جرم در بادی این خط تاریخی، نگاهی عینی و غیرذهنی است و مرتکب به محض ارتکاب یک رفتار ممنوعه مورد بازخواست قرار می‌گرفت، اما رفته‌رفته این دیدگاه تعدیل شده و وضعیت ذهنی مرتکب، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

اگرچه مؤلفه‌های نوین حقوق کیفری اغلب به عصر روشنگری و بانیان آن نسبت داده می‌شود، اما توجه به حالت ذهنی مرتکب، جدای از تصریح بدان در نظام کیفری اسلام، در اندیشه متفکران دینی قرون وسطی نیز، تحت عنوان «گناه ارادی» مورد تأکید قرار گرفته بود (پرادل، ۱۳۹۶: ۳۰). به مرور زمان، مبنای مسئولیت کیفری از قید اراده یا قصد فاصله گرفت و خطا را نیز در خود جای داد؛ تا جایی که امروزه در نظام‌های مختلف کیفری، تنها اراده گناه (جرم) مبنای مسئولیت شناخته نشده، بلکه تقصیر یا خطا را نیز شامل می‌شود. بنابراین کاملاً هویدا است؛ عنصر روانی که در بادی امر، مفهومی بسیط قلمداد می‌شد، به

یک مفهوم متشکل از یک سری اجزا تبدیل شده که یکی از این اجزا و مراتب، همان تقصیر جزایی است.

با تعدیل رکن روانی از دائرة عمد به تقصیر در برخی جرائم خاص، تبیین خصوصیات، ارکان و آثار آن، بیش از پیش اهمیت یافته و این امر، لزوم تبیین مفهومی و شناسایی جایگاه آن در حقوق کیفری را شدت بخشیده است. از این رو، در نوشتار حاضر کوشش شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی، ارکان و آثار تقصیر در حقوق کیفری ایران مورد مطالعه قرار گرفته و رویکرد سیستم جزایی ایران نسبت به این مفهوم، تا حدودی مورد کاوش و بررسی قرار گیرد تا به واسطه آن، پاسخ نسبتاً مناسبی، نسبت به پرسش از ماهیت و نحوه واکنش کیفری در قبال تقصیر جزایی ارائه شود.

۱. مفهوم تقصیر

تقصیر در کتب و منابع فرهنگ فارسی، به معنای: «سستی کردن، کوتاهی کردن و تقصیردار به معنای گنهکار، مجرم و عاصی و مقابل توفیر» (دهخدا، ۱۳۷۳/۴: ۶۰۲۶)، «سستی ورزیدن، کوتاه کردن، کم کاری کردن و گناه» (معین، ۱۳۸۶/۲: ۸۶۶) «در کاری کوتاهی و خطا کردن و اسم گناه و جرم» (عمید، ۱۳۸۴/۱: ۷۱۰) آمده است. به طور کلی برای ریشه «قَصْر» در لغت عرب معانی مختلفی را ذکر کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین آن «کوتاهی و سستی کردن، انجام ندادن کاری علی‌رغم توانایی بر انجام آن، ناتوان شدن و دست بازداشتن از کاری» (معلوف، ۱۳۷۴/۱: ۱۴۵۸) «از دست دادن هدیه، سوزاندن حیوانات» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶/ق/۱: ۴۶۳) «درنگ کردن، عاجز شدن و ناکام شدن» (ابن ادرید، ۱۹۸۷/۲: ۴۳) «زیان وارد کردن» (فراهیدی، ۱۴۱۰/ق/۵: ۵۸) «به تأخیر انداختن کاری» (جوهری، ۱۴۰۷/ق/۲: ۷۹۴) «نرسیدن چیزی به حد و انتهای آن، حبس کردن» (ابن فارس، ۱۳۹۹/ق/۵: ۹۶) «کوتاه یا کوتاه کردن در مقابل طولانی یا طول دادن» (زبیدی، ۱۴۱۴/ق/۴: ۳۹۳) است. با این حال، سستی و کوتاهی در انجام یا ترک رفتاری با شرط توان انجام آن، معنایی است که به نظر، بیشتر به واقعیت استعمال آن (چه ادبی و چه عرفی) انصراف دارد. حقوق دانان کیفری، به تبع کاربرد مختلف تقصیر، تعریف‌های اصطلاحی

مختلفی را ارائه داده‌اند. گاهی خطا و تقصیر به معنای عام خود به کار می‌رود که به معنای عنصر روانی جرم به‌ضمیمه قابلیت انتساب است (محسنی، ۱۳۹۳/۲: ۲۰۱؛ میرسعیدی، ۱۳۸۶/۱: ۶۷) و گاهی به معنای مطلق جرم به کار می‌رود. گاهی مقصود از تقصیر، قابلیت انتساب مجازات به مجرم است (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۷۲). برخی نیز تقصیر یا خطای جزایی را در معنای «اشتباه» تعریف کرده‌اند (فیض، ۱۳۷۳: ۲۸۲).

با بررسی تألیفات قدیم و جدید در حقوق کیفری ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که در تألیفات اولیه، بیشتر از معنای عام تقصیر و امروزه، بیشتر از معنای خاص آن استفاده می‌شود. جرم و مجرم نیز از جمله این مفاهیم است؛ با این توضیح که لفظ تقصیر به معنای مطلق جرم و لفظ مقصر در معنای بزه‌کار مورد استفاده قرار گرفته است.^۱

امروزه تقصیر در ادبیات حقوقی ایران در معنای اصطلاحی خاص خود یعنی عنصر روانی جرائم غیرعمدی، به کار می‌رود و استعمال آن در معانی دیگر، مسامحه در تعبیر است. برخی از نویسندگان حقوق کیفری در مقام تعریف اصطلاحی، تقصیر یا خطای جزایی را غفلت در پیش‌بینی عواقب تعریف کرده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۱/۱: ۴۰۲؛ سلیمی، ۱۳۸۴: ۹۱). اما باید توجه داشت که تقصیر در حقوق کیفری یکی از درجات رکن روانی است؛ لذا با فعل وانفعالات ذهنی سروکار دارد و نفی مطلق شرط پیش‌بینی قابل قبول نیست. مضاف بر این، صرف پیش‌بینی نتیجه، عمد را محقق نمی‌سازد، بلکه این اراده و آگاهی وقوع نتیجه است که ساختار عمد را تشکیل می‌دهد. در نقطه مقابل، تعبیر تقصیر به ارتکاب ارادی رفتار با احتمال حصول نتیجه و قرار دادن در صد این احتمال به عنوان نقطه تمایز تقصیر مدنی از جزایی، آن گونه که در قلم برخی از نویسندگان کیفری مشهود است (باهری، ۱۳۸۱: ۲۱۵)، خالی از اشکال نیست، زیرا اگر مقصود از اراده فعل، همان قصد فعل باشد، وجود یا عدم تقصیر، تأثیری در حکم این موضوع (مخصوصاً در جنایات) نخواهد داشت و در هر دو صورت، شبه‌عمدی تلقی خواهد شد، زیرا تقصیر قائم مقام قصد

۱. فصل دهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با عبارت «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» آغاز شده که تقصیر را در معنای مطلق جرم به کار برده است.

فعل است نه هم‌نشین آن. مضاف بر این اگر مقصود، ارتکاب ارادی یک رفتار نامتعارف باشد، این شرط در مواقعی که «وظیفه اقدام»^۱ یا تعهدی در میان باشد، مخدوش خواهد شد. بنابراین، تعریف تقصیر به یک رفتار ارادی که در قلم برخی از اندیشمندان حقوق کیفری به چشم می‌خورد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۹۲؛ الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۱/۲۰۸)؛ قابل قبول نیست و مرکز ثقل این اشکال، تفاوت مفهومی میان اراده و اختیار است. در نتیجه، اگر اراده شرطیت داشته باشد، قانون‌گذار باید کلمه «غفلت» را از تبصره ماده ۱۴۵ حذف می‌کرد، زیرا غفلت با لزوم اراده در تقابل خواهد بود. هرچند بسیاری از نویسندگان، برای تبیین تقصیر جزایی، تعریف به مصداق کرده‌اند (استفانی و لواسور، ۱۳۸۳: ۳۶۶؛ نوربها، ۱۳۹۷: ۱۸۶؛ عابدی، ۱۴۰۰: ۱۰۲)، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز هیچ تعریفی از تقصیر به چشم نمی‌خورد و تنها مصادیق مهم آن ذکر شده است.^۲ ناگفته نماند که برخی از حقوق‌دانان، تعاریفی را از تقصیر ارائه داده‌اند که عمدتاً جنبه عینی محض دارد (بوشهری، ۱۳۸۷: ۳۱۹). اما نگاه عینی صرف به تقصیر، آن‌گونه که نویسندگان حقوق مدنی بدان اشاره کرده‌اند (امامی، ۱۳۸۳: ۵۸۷؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۶۸)، با رسالت حقوق جزا سازگاری ندارد، زیرا این نگاه، تنها می‌تواند با اصول مسئولیت در حقوق مدنی که دائرمدار ارتکاب رفتار نامتعارف و حدوث ضرر و در آخر رابطه سببیت میان آن دوست، سازگاری داشته باشد، هرچند نگاه عینی صرف به تقصیر مدنی نیز منتقدان جدی پیدا کرده است (بادینی، ۱۳۸۹: ۸۳؛ صفریان، ۱۳۹۲: ۳۵). با توجه به اشکالات وارده، می‌توان تقصیر جزایی را در اصطلاح، این‌گونه تعریف کرد:

ارتکاب اختیاری رفتاری نامتعارف است که وقوع جرم در نتیجه آن نوعاً محتمل و قابل پیش‌بینی است، اما مرتکب علی‌رغم توانایی، وقوع آن را پیش‌بینی نمی‌کند و یا در صورت پیش‌بینی نیز از وقوع آن عمداً جلوگیری نمی‌کند و نتیجه به وقوع می‌پیوندد.

1. Duty to Act

۲. تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

۲. ارکان مفهومی تقصیر جزایی

با توجه به تعریف اصطلاحی ارائه شده، تقصیر جزایی دارای پنج رکن اساسی و بنیادین است که برای احراز آن توسط مرجع قضائی، شایسته است به تمام این پنج رکن، توجه ویژه‌ای شود:

۲-۱. ارتکاب اختیاری رفتار غیر متعارف

برای تحقق تقصیر، باید رفتار نامتعارف از روی اختیار ارتکاب یابد. بنابراین اگر شخصی بدون اختیار، مرتکب یک رفتار خطرناک شود و نتیجه مجرمانه‌ای به وقوع پیوندد، تقصیر جزایی رخ نخواهد داد. برخی از نویسندگان، تقصیر را ارتکاب ارادی رفتار نامتعارف می‌دانند که براساس آن، مرتکب باید خواهان ارتکاب رفتار خطرآفرین باشد (سلیمانی اصل، ۱۳۸۱: ۳۳). اگر مقصود از اراده، «کشش و تمایل یا خواستن امری» باشد، به نظر از شرایط تحقق تقصیر نیست. دلیل این مدعا، تعارض لزوم اراده آن برخی از جرائم تقصیری مانند «فراری دادن محبوسین» یا «تخلیه اطلاعاتی» است، زیرا به تبع این دیدگاه، ضرورت دارد تا زندان‌بان یا مأمور امنیتی، به ترتیب خواهان باز گذاشتن در زندان یا در معرض افشا قرار دادن اطلاعات امنیتی باشد؛ در حالی که چنین نیست. اگر کسی به تبع قانون یا قرارداد، وظیفه‌ای را بر عهده گیرد، صرف فراموشی و غفلت از انجام وظیفه، «تقصیر» محسوب می‌شود و این امر در جرائم تقصیری مبتنی بر وظیفه، مانند مصادیق پیش گفته نیز، مطابق با قانون صادق است. در نتیجه، کلام برخی مبنی بر لزوم اراده در مقدمات در تمامی جرائم حتی مادی صرف (جاویدان و کریمی وانانی، ۱۳۹۶: ۹۶؛ گرایلی، ۱۳۹۱: ۱۸۱)، از هیچ وجهت قانونی برخوردار نیست.

۲-۲. آگاهی یا پیش‌بینی نتیجه (احتمال وقوع نتیجه)

یکی از ارکان شکل‌گیری تقصیر جزایی، محتمل‌الوقوع بودن خطر از دیدگاه عموم جامعه است. در ابتدا باید رفتار صادر شده از دید عرف، خطرناک تلقی شود و عبارت «نامتعارف» هم از همین قاعده حکایت دارد. اما پیش‌بینی ذهنی مرتکب، با احتمال عرفی خطر، مفروض می‌گردد و خلاف آن باید اثبات شود. درخصوص اینکه احراز این پیش‌بینی

توسط مرتکب ضرورت دارد یا خیر، باید توجه داشت که امکان پیش‌بینی با وقوع پیش‌بینی دو امر متفاوت است. اگر به واسطه قرائن موجود، عدم پیش‌بینی خطر توسط مرتکب ثابت شد، تقصیر ساقط نخواهد شد، زیرا مقصود از این رکن، احراز امکان پیش‌بینی خطر توسط مرتکب است. بنابراین با ارتکاب اختیاری رفتار نامتعارفی که وقوع نتیجه پس از آن، عرفاً قابل پیش‌بینی است، پیش‌بینی خطر توسط مرتکب را برای مرجع قضائی مفروض می‌سازد، اما اگر مرجع قضائی، عدم امکان پیش‌بینی خطر [نه صرفاً عدم پیش‌بینی] توسط مرتکب را با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال احراز کرد، فرض قبلی مخدوش خواهد شد و تبع آن، تقصیر جزایی نیز محقق نخواهد شد.

یکی از حقوق‌دانان غربی نیز در این راستا می‌نویسد: «تا زمانی که فرد، توانایی ارتکاب رفتار بی‌خطر را داشته باشد، منصفانه است در شرایطی که هشدارهای کافی در مورد نیاز به مراقبت در رفتار به شهروندان داده شده است، مسئولیت کیفری را تحمیل نماییم» (Ashworth & Jeremy, 2013: 15)؛ بنابراین استدلال برخی از نویسندگان که مبنای تحقق تقصیر جزایی را عدم پیش‌بینی خطر توسط مرتکب می‌دانند (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۴۰۷؛ رایجیان اصلی و جوادی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲)، خالی از اشکال نخواهد بود، زیرا ممکن است شخصی علی‌رغم اینکه می‌داند رفتارش خطرآفرین است، در مواقعی که خطر را درک نکرده، اما باید درک می‌کرده نیز مسئول باشد (Wallace & Roberson, 2001: 78-79).

تفاوت قائل شدن میان عدم امکان پیش‌بینی و عدم پیش‌بینی، از این جهت مهم است که دیدگاه عینی صرف مبتنی بر مقایسه رفتار مرتکب با رفتار متعارف بدون توجه به پیش‌بینی ذهنی خطر، با ماهیت تقصیر در نظام کیفری ایران سازگاری ندارد، زیرا تقصیر درجه‌ای از رکن روانی است و هم‌پوشانی آن با غفلت در نظام کیفری انگلستان که تنها دائرمدار خصوصیات رفتاری بدون توجه به فعل و انفعالات ذهنی است (Wilson, 2011: 74)^۱ با ماهیت عینی - ذهنی تقصیر در نظام کیفری ایران، منافات خواهد داشت؛ بنابراین احراز امکان پیش‌بینی نتیجه علی‌رغم عدم پیش‌بینی نتیجه برای تحقق تقصیر کافی خواهد

1. "Negligence compares the actions of the accused with those of a hypothetical reasonable person. A negligence is one which falls below the standards expected of a reasonable ordinary prudent person."

بود. از این رو عبارت «آگاهی» بدون «توجه» در این رکن به کار رفته و عنوان اخیر در تقصیر جزایی ساده، برخلاف تقصیر فاحش، شرطیت ندارد.

۳-۲. وقوع خطر غیرقابل توجیه

یکی از ارکان تقصیر جزایی، غیرقابل توجیه بودن خطر است. تا زمانی که خطر غیرقابل توجیه وجود نداشته باشد، علی‌رغم امکان پیش‌بینی خطر و وقوع آن، تقصیر رخ نخواهد داد. یکی از اندیشمندان غربی می‌نویسد: «آخرین وضعیت ذهنی، تقصیر است. تعریف تقصیر به بی‌پروایی شبیه است، یعنی باید خطر اساسی و غیرقابل توجیه توسط مرتکب به وجود بیاید» (Hall, 2009: 63).

درخصوص ملاک احراز موجه یا معقول بودن خطر، ضروری است تا شرایط حاکم بر مرتکب و همچنین نفع و فایده اجتماعی به صورت توأمان مدنظر قرار گیرد، برای مثال، اگر شخصی با سرعت بسیار زیاد یا بدون مهارت کافی در رانندگی، برای رساندن یک بیمار با وضعیت وخیم به بیمارستان، رانندگی کند و در اثنای آن به رهگذری برخورد نماید و آسیبی به او وارد کند، از این جهت که نفع و فایده معقولی در مقابل این خطر، وجود داشته است، نمی‌توان خطر را غیرقابل توجیه و جنایت مرتکب را تقصیری (شبه‌عمدی) قلمداد کرد. اما علی‌رغم این که نفع و فایده اجتماعی بالاست، احتمال وقوع خطر هم کم نیست؛ لذا استدلال برخی مبنی بر اینکه احتمال خطر، نفع اجتماعی را به صورت مطلق تضییع می‌کند (احدی، ۱۳۹۳: ۵۰)، خالی از اشکال نیست. با عنایت به مفهوم «خطر اساسی»^۱ که یکی از شروط تحقق تقصیر در نظام کیفری کامن‌لا به‌شمار رفته است (Duff & Green, 2011: 191)، بهتر است ابتدا درصد احتمال خطر سنجیده شود که اگر درصد این احتمال پایین بود، خطر قابل توجیه قلمداد شود. اما اگر درصد احتمال خطر پایین نبود، نوبت به بررسی نفع و فایده اجتماعی آن برای ارائه پاسخ نهایی می‌رسد.

1. substantial risk

۴-۲. وقوع نتیجه مجرمانه

یکی دیگر از ارکان مهم تقصیر، لزوم وقوع نتیجه مجرمانه است. اگر رفتاری نامتعارف ارتکاب یابد و نوعاً هم خطری در نتیجه آن قابل پیش‌بینی باشد و آن خطر با شرایطی که ذکر شد، غیرقابل توجیه باشد، اما درنهایت نتیجه مجرمانه به منصفه ظهور نرسد، نمی‌توان گفت: شخص، مرتکب تقصیر شده است. یکی از دادگاه‌های انگلیسی نیز در توصیف رفتار تقصیری اظهار داشته است: «فردی مقصر است که خطر، ضرر غیرقابل توجیه و قابل‌ملاحظه برای دیگران ایجاد نماید» (Wallace & Roberson, 2001: 45). برخی از نویسندگان، احراز جرائم تقصیری را مشروط به وقوع صدمه و خسارتی که معلول تقصیر باشد، می‌دانند (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۱۰). اشکال این تعبیر با به کار بردن «نتیجه مجرمانه» به جای عبارت «صدمه و خسارت» قابل حل بود، زیرا لزوماً در جرائم تقصیری، مانند فرار محبوسان یا افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، خسارت در معنای خاص آن وجود ندارد و ممکن است تنها احتمال صدمه یا خسارت مطرح باشد.

۵-۲. احراز رابطه سببیت میان رفتار نامتعارف و نتیجه مجرمانه

برای احراز تقصیر، ضرورت دارد تا نتیجه مجرمانه، قابل انتساب به مرتکب رفتار باشد. به عبارت دیگر: «علاوه بر ضرورت وجود خطا در جرائم غیرعمدی، بایستی بین این خطا و نتیجه حاصله، رابطه علیت هم برقرار باشد و بدون احراز این رابطه، نمی‌توان حکم به مسئولیت مرتکب صادر کرد» (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۶۱)؛ بنابراین یکی از اشتراکات مهم جرائم عمدی و غیرعمدی، لزوم احراز رابطه سببیت میان رفتار و نتیجه است (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۹۸).

در رابطه با اینکه رابطه سببیت در کدام یک از ساختار بزه جاری است، میان اندیشمندان کیفری اختلاف وجود دارد. برخی مبدأ سببیت را در ساحت عنصرمادی قابل ردیابی می‌دانند و معتقدند تنها برای جرائم مقید به نتیجه می‌توان قائل به لزوم رابطه سببیت شد (معمد، ۱۳۵۱: ۲۸۲) که مطابق با آن، مسئولیت تنها زمانی بر مرتکب جاری می‌شود که احراز شود. در صورت فقدان رفتار وی، نتیجه مجرمانه رخ نمی‌داد، زیرا سببیت،

ماهیتی مادی دارد (نجیب حسنی، ۱۳۸۵: ۸۷). اما در مقابل، برخی رابطه سببیت را در ساحت عنصر روانی جرم می‌سنجند (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

با تأمل در مقررات موضوعه درباره رابطه سببیت در حقوق کیفری ایران، علی‌رغم سابقه تاریخی نظریه سببیت مادی، نمی‌توان صرف این رویکرد را بدون در نظر گرفتن حالات روانی مرتکب، مدنظر قرار داد. مطابقت نداشتن سببیت مادی صرف با سیستم جزایی ایران از این جهت است که مفاهیمی مانند «اجتماع سبب و مباشر» یا «سبب اقوی از مباشر» را به‌طور کلی نفی خواهد کرد، برای مثال اگر پزشکی مهارت کافی در نسخه‌نویسی نداشته باشد و داروی آسیب‌زا برای بیمار تجویز کند، مطابق با رویکرد مادی صرف، در صورت صدمه دیدن بیمار، خود او مقصر است، زیرا بیمار با دستان خودش دارو را به حلق خود ریخته است. مضاف بر این، نفی هر گونه رابطه مادی نیز در این خصوص قابل قبول نیست، زیرا ممکن است در برخی مصادیق، علی‌رغم احراز رکن روانی، نتیجه مجرمانه به رفتار فیزیکی مرتکب مستند نباشد. در نتیجه، احراز رابطه سببیت در حقوق کیفری امری موضوعی و فنی است که احراز آن نیازمند تبحر قضات است (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۶۵). در هر حال به نظر می‌رسد در این موضوع باید هر دو معیار را توأمان مدنظر قرار داد و سببیت را هم در رکن مادی و هم در رکن روانی جست‌وجو کرد، مگر موضوع، جنایت خطای محض باشد. مانند زمانی که شخصی با قصد قتل، جراحت غیرکشنده‌ای را وارد می‌کند، اما نتیجه به واسطه تقصیر مجنی‌علیه رخ می‌دهد که در آن، علی‌رغم وجود سببیت روانی، سببیت مادی احراز نمی‌شود و نتیجه به مرتکب منتسب نخواهد شد.^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۲۹ با به‌کاربردن عبارت «تقصیر مرتکب» به جای «رفتار مرتکب» برای احراز رابطه سببیت مقرر کرده است: «در

۱. تبصره ۱ ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه‌ای که تقصیر مرتکب، علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست». بنابراین از آنجایی که تقصیر جزایی یک مفهوم عینی - ذهنی است، بالتبع رابطه سببیت نیز باید هم در ساحت رکن مادی (رفتاری) و هم رکن روانی (ذهنی) مورد ارزیابی قرار گیرد.

کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید^۱.

در مجموع، چنانچه مرجع قضائی تمام این پنج رکن را در یک رفتار احراز کرد، تقصیر جزایی شکل خواهد گرفت و به تبع آن، احکام و آثار جرم تقصیری در جرائم غیر عمدی بر آن رفتار، جاری خواهد شد. برخی از این ارکان مفهومی در نظام‌های کیفری دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته است. قانون جزای نمونه آمریکا (۱۹۶۲) در ماده ۲.۰۲ (۲)(d)، تقصیر جزایی را این گونه تعریف کرده است:

شخص وقتی با تقصیر عمل می‌کند که از یک خطر اساسی و غیرقابل توجیه که ناشی از رفتارش است آگاه نباشد؛ خطری که اگر فرد محتاط در شرایط او بود، از آن آگاه می‌شد. این خطر باید به اندازه‌ای باشد که نادیده گرفتن آن انحراف بزرگی از استاندارد مراقبتی باشد که یک فرد معقول در موقعیت او رعایت می‌کند.^۱

۳. آثار تقصیر جزایی

هرگاه تمام ارکان تقصیر جزایی و بالتبع تحقق آن توسط مرجع قضائی احراز شد، پرسش از چگونگی واکنش کیفری به میان خواهد آمد. به طور کلی، تقصیر در حقوق کیفری ایران یا از عوامل تغییر یا ترفیع درجه روانی و یا ارتباط و انقطاع نتیجه مجرمانه و رفتار مرتکب، محسوب می‌شود. بنابراین، به صورت مختصر، به مهم‌ترین آثار تقصیر در واکنش کیفری، پرداخته می‌شود.

1. Negligently. A person acts negligently with respect to a material element of an offense when he should be aware of a substantial and unjustifiable risk that the material element exists or will result from his conduct. The risk must be of such a nature and degree that the actor's failure to perceive it, considering the nature and purpose of his conduct and the circumstances known to him, involves a gross deviation from the standard of care that a reasonable person would observe in the actor's situation.

۱-۳. تقصیر از موجبات تحقق جنایت شبه‌عمدی

غالباً فقیهان در تعریفی که از جنایت شبه‌عمدی ارائه داده‌اند، تنها به ذکر فرمول سنتی آن، یعنی وجود قصد فعل و فقدان قصد نتیجه بسنده کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸/ق: ۴؛ ۲۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۰/ق: ۷۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰/ق: ۲؛ ۱۹۳؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۹۷: ۲۱۰). اما نباید از نظر دور داشت در فقه امامیه، غالباً ارائه ضابطه برای شکل‌گیری انواع جنایات، محدود به عنوان باب فقهی است. به همین جهت، برخی از فقیهان به توصیف جنایت تقصیری در کتاب دیات و حتی بعضاً در کتاب قصاص پرداخته‌اند. برای نمونه، برخی جنایت ناشی از تقصیر در مراقبت از حیوان را از موجبات ضمان صاحب حیوان برشمرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۰/ق: ۱۵۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷/ق: ۵؛ ۲۹۱). ذکر شرط تقصیر برای ثبوت ضمان و مسئولیت خود مالک به جای عاقله، دلیل واضحی است که تقصیر در فقه امامیه، جنایت خطای محض را در حکم شبه‌عمد قرار می‌دهد. برخی نیز در توجیه ثبوت ضمان بر معلم شنا در صورت غرق شدن صغیر، به تقصیر در حفظ و مراقبت اشاره کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۹/ق: ۳؛ ۱۵۷، ۶۵۳؛ حسینی عاملی، بی‌تا/۱۰: ۲۸۹). هرچند استدلال به تقصیر در احراز جنایت شبه‌عمدی، در مواردی مثل توقف غیرمجاز در یک مکان و ثبوت ضمان برای مصدوم به‌جای صدمه‌زننده (موسوی خوئی، ۱۳۹۶/ق: ۲؛ ۲۲۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰/ق: ۲؛ ۵۶۲) یا ضمان تعلیم‌دهنده امور نظامی نسبت به جنایات ارتکاب‌یافته توسط سرباز آموزشی که مسبوق به تقصیر در تعلیم بوده (حسینی روحانی، ۱۳۷۸: ۱۸۵) نیز به دفعات ذکر شده است. یکی از مراجع تقلید معاصر نیز در مقام ارائه ضابطه در جنایت شبه‌عمدی، به صراحت می‌فرماید: «اگر راننده در مسیری که خطر واژگونی ماشین یا تصادف و فوت دیگران داده می‌شود، درحالی که به این امر توجه داشته، اهمال‌کاری و بی‌احتیاطی نماید، مثل اینکه با سرعت بیش از حد معمول یا در حال خستگی یا خواب‌آلودگی یا با وجود نقص فنی در ماشین، رانندگی کند و این کار موجب بروز سانحه و قتل شخصی شود، چنین قتلی، شبه‌عمدی محسوب می‌شود» (حسینی سیستانی، ۱۴۴۳/ق: ۴؛ ۵۴۴).

البته در فقه امامیه برای مطلق ضمان دیه، وجود یا عدم تقصیر در رفتار شرط نیست، اما وجود تقصیر، مسئولیت این ضمان را به جای عاقله، بر ذمه مرتکب قرار می‌دهد. سیستم جزایی ایران نیز به تبع فقه امامیه، تقصیر را عامل ترفیع درجه جنایت محسوب کرده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹۱ و بند (پ) آن مقرر داشته است: «جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود: پ) هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد».

بنابراین، تقصیر تنها عامل ترفیع درجه جنایت از خطای محض به شبه عمد است؛ لذا نباید تصور کرد که جنایت تقصیری در ماهیت شبه‌عمدی است (عابدی، ۱۳۹۷: ۱۸). به عبارت دیگر، هرگاه معیار بند (الف) و (ب) مفقود باشد، یک رفتار عاری از قصد فعل و نتیجه وجود خواهد داشت. به بیان دیگر، ماهیت رفتار مطابق با بند (پ) ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، خطای محض است، اما تقصیر یک درجه جنایت را بالا می‌برد. یکی از محققان در این باره بیان داشته است: «قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، واژه «در حکم» را که در تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون سال ۱۳۷۰ وجود داشت حذف کرده و ظاهراً آن است که جنایت به سبب تقصیر، حقیقتاً شبه‌عمد است» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۳۳۳).

قبول این مدعا از این جهت مشکل است که قانون‌گذار عبارت «محسوب می‌شود» در سیاق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی را برای نفی شبه‌عمدی بودن جنایت تقصیری در ماهیت ذکر کرده است؛ لذا وجود تقصیر یک درجه به رکن روانی جنایت می‌افزاید و آن را در حکم شبه‌عمد قرار می‌دهد.

۲-۳. تقصیر شرط مسئولیت سبب در تسبیب غیر عمدی

بر خلاف جنایت به مباشرت که در اثر رفتار جانی، نتیجه بدون دخالت عامل دیگری تحقق می‌یابد (علامه حلی، ۱۴۲۰/ق ۵: ۴۲۱). در جنایت به تسبیب، میان رفتار جانی و نتیجه مجرمانه، واسطه‌ای قرار می‌گیرد که این واسطه، گاهی رفتار خود مجنی‌علیه «تسبیب محض» و گاهی عامل ارادی دیگر «اجتماع سبب و مباشر» است (محقق حلی، ۱۴۰۸/ق ۴: ۱۸۱). غالباً فقیهان در رابطه با تسبیب غیر عمدی که جانی قصد نتیجه ندارد، فعل سائق یا

غیرسائق را ملاک مسئولیت می‌دانند و مجاز یا غیرمجاز بودن رفتار نیز به معنای وجود یا عدم تقصیر است. برای مثال، یکی از فقیهان نامدار پس از ذکر نظرات مختلف، ثبوت ضمان در نصب شیء تلف‌کننده را مشروط به احراز تقصیر در نصب آن می‌داند و نظریه ضمان مطلق را بنا به عدم وجود دلیل بر ضمان در فرض عدم تقصیر، مورد پذیرش قرار نداده است (طباطبائی، ۱۴۱۲ق/۱۴: ۲۲۷).

قانون مجازات اسلامی نیز با پیروی از این نظر در فقه امامیه، در فصل ششم تحت عنوان «موجبات ضمان» به تسبیب در جنایات اشاره کرده و با ملاحظه مثال‌های مذکور در مواد ۵۰۶ تا ۵۳۷ که عمدتاً ترجمه از متون فقهی هستند، سبب را تنها در صورت احراز تقصیر ضامن می‌داند.^۱ عرف نیز انتساب جنایت با واسطه به مسبب را نه با صرف انتساب مادی نتیجه به رفتار مرتکب، بلکه تنها با وجود تقصیر محرز می‌داند (قیاسی، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

نکته مهم دیگر، درجه جنایات بالتسبیب براساس رکن روانی آن است. یکی از حقوق‌دانان در این باره بیان داشته است: «هرگاه کسی غذای مسمومی را جلوی شخص (الف) بگذارد تا وی با خوردن آن بمیرد، ولی شخص (ب) از راه‌رسیده و پس از خوردن غذا بمیرد، قتل (ب) ماهیتاً خطای محض محسوب می‌شود، زیرا این کار شبیه آن است که قاتل بر اثر خطا در تیراندازی شخصی غیر از فرد موردنظر خود را بکشد» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

به نظر، قول ایشان با اصول حقوق کیفری ایران منطبق نیست، زیرا وقتی تقصیر جزایی شرط احراز رابطه سببیت و ضمان مسبب باشد، سخن از خطای محض قلمداد شدن جنایت

۱. به‌عنوان نمونه ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد ضامن نیست». همچنین ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی در معاشر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست». بنابراین با لحاظ مفهوم مخالف در این ماده، ضمان مسبب تنها در صورت احراز تقصیر جاری خواهد بود.

بالتسبیب، و جاهتی ندارد. مضافاً اینکه، ایشان در جای دیگری، به ضرورت احراز تقصیر در جنایت به تسبیب اذعان کرده‌اند (همو، ۱۳۹۹: ۴۹). بنابراین از آنجایی که تقصیر، شرط مسئولیت مسبب است، امکان خطای محض دانستن این نوع جنایات را منتفی می‌سازد. البته جنایات صورت گرفته از جانب صغیر و مجنون می‌تواند با قول ایشان مطابقت داشته باشد.^۱ ناگفته نماند که این قاعده نه تنها در سبب واحد، بلکه در اجتماع اسباب (اعم از طولی و عرضی) نیز جریان خواهد داشت؛ لذا در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی که ناظر بر اسباب طولی است، نظریه سنتی «ضمان مقدم در تأثیر» کمی تعدیل شده و در وهله اول، سبب عدوانی را ضامن دانسته است (خدادی و خالدی، ۱۴۰۰: ۸۷). ملاک «عدوانی بودن» می‌تواند مصادیقی همچون رفتار مجاز اما از روی ظلم را نیز شامل شود، اما عرف که مرجع اصلی در داوری این قید در رفتار است، رفتار غیرمجاز را از مهم‌ترین مصادیق رفتار عدوانی می‌داند، هرچند این تفسیر از ضرورت اصلاح ماده ۵۳۵ و به کار بردن عبارت «تقصیر» یا «غیرمجاز» به جای «عدوانی» نمی‌کاهد (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). در نتیجه، اجرای قاعده سبب مقدم در تأثیر مشروط به عدم احراز عمد یا تقصیر بعضی از اسباب شده است.

۳-۳. تقصیر از موانع جریان قاعده احسان

قاعده احسان که از قواعد فقهی مهم و کاربردی در نظام حقوقی اسلام و ایران به شمار می‌رود، یک ضابطه کلی و عام را با عنایت به عموم آیه شریفه «ما علی المحسنین من سبیل»^۲ ارائه می‌دهد که دلالت بر عدم مسئولیت و مؤاخذه دنیوی و اخروی کسی که با انگیزه احسان و دفع ضرر از دیگری، مرتکب رفتار ضمان آور می‌شود، دارد (موحدی لنکرانی، ۱/۱۳۸۳: ۲۸۳). جریان این قاعده در فرض تقصیر محسن، از جمله موضوعات

۱. ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: (ب) به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.» مقنن عمد صغار و مجانین را به منزله خطا دانسته و این امر در تمام انواع جنایات (اعم از مباشرت و تسبیب) جریان دارد.

۲. توبه: ۹۱.

اختلافی میان فقیهان امامیه است. اما نظر مشهور، عدم جریان قاعده در فرض تقصیر است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲/ق/۴۳: ۱۰۳؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷/ق/۴: ۶۶۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷/۴: ۱۳). مطابق با این دیدگاه، چنانچه در اثر قصور یا تقصیر، یکی از دو عنصر قصد و واقعیت رساندن نفع به غیر یا دفع ضرر از وی، منتفی شود، صدق احسان نیز منتفی خواهد شد (علیدوست، ۱۳۸۷: ۲۹).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز با پیروی از این نظر، در ماده ۵۱۰ مقرر کرده است: «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری، رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست». کاملاً روشن است که شرط رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی مصرح در قسمت اخیر ماده مزبور، به مفهوم جلوگیری تقصیر از جریان قاعده احسان است و می‌توان ممانعت از جریان قاعده احسان در امور کیفری را از جمله آثار مهم تقصیر به‌شمار آورد.

۴-۳. تقصیر از عوامل قطع رابطه سببیت

یکی از آثار بسیار مهم تقصیر جزایی، می‌تواند قطع رابطه سببیت در جنایات یا عاملی در اعمال برخی از نهادهای ارفاقی باشد. این تقصیر نه از جانب مرتکب، بلکه از سوی بزه‌دیده واقع می‌شود؛ لذا در قالب یک گزاره کلی می‌توان بیان داشت: «بزه‌دیده ممکن است با بی‌مبالاتی خود و یا بی‌احتیاطی خویش، مرتکب تقصیر گردیده، به گونه‌ای که بر رابطه سببیت میان فعل فاعل و نتیجه آن، تأثیر بگذارد که فعل یا ترک فعل او سبب حقیقی نتیجه مجرمانه تلقی گردد و خطای وی به قدری فاحش باشد که گذشته از مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی جانی را نیز مرتفع نماید» (توجهی، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

در دانش بزه‌دیده‌شناسی، غالباً نگرش به بزه‌دیده، نگرش حمایتی بوده و همواره او به‌عنوان قربانی جرم و کسی که به‌واسطه یک رفتار ضداجتماعی مظلوم واقع شده است، محسوب می‌شود؛ لذا کم‌تر به تقصیر و کردار اجتماعی او و نیز نوع تعاملش با دیگران به‌عنوان سبب شکل‌گیری یک جرم، پرداخته شده است (پاک‌روش، ۱۳۸۷: ۵۱). گاهی

عدالت اقتضا دارد که بزه‌دیده به‌عنوان سبب تامه در شکل‌گیری بزه، شناخته شود و در نتیجه، وصف مجرمانه بودن را از رفتار مرتکب به‌طور کلی بزداید یا تا حدودی کم‌رنگ نماید. ظهور این دیدگاه در گفتار برخی از بزه‌دیده‌شناسان نیز مورد اشاره قرار گرفته است که در آن، به ظهور بزه‌دیده‌شناسی علمی که اولین بار توسط اندیشمندی به نام «هانس فون هنتیک»^۱ مطرح گردیده، تأکید شده است (عبدالفتاح، ۱۳۷۸: ۱۱۵). این دیدگاه، نگرشی منفی به جایگاه بزه‌دیده در فرایند مجرمانه دارد و بزه‌دیده را عاملی مؤثر در تحقق جرم می‌پندارد؛ لذا هدف آن، تحلیل و تبیین سهم بزه‌دیده در تکوین جرم و رابطه‌اش با بزه‌کار است (بیگی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸). علاوه بر این، تقصیر بزه‌دیده می‌تواند از مؤلفه‌های پیشگیری از بزه نیز شمرده شود و نقش مهم تقصیر بزه‌دیده در پیشگیری وضعی از جرم نیز مورد اشاره برخی از جرم‌شناسان قرار گرفته است (خدادی، ۱۳۹۸: ۹۴). نقش تقصیر بزه‌دیده در احراز ضمان در فقه امامیه نیز مورد تأکید برخی از فقیهان قرار گرفته است و بعضاً در مواقعی که تقصیر به مجنی‌علیه منتسب است؛ مانند عدم اقدام به نجات جان خود در صورت توانایی در اقدام، جانی را مسئول نمی‌دانند (جبعی عاملی، ۱۴۱۹ق/۱۵: ۸۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶ق/۱۳: ۳۸۸؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴ق/۱۱: ۱۹).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در انتهای فصل موجبات ضمان و در ماده ۵۳۷ خود مقرر داشته است: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد، ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد، مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست».^۲

یکی از حقوق‌دانان، استاد جنایت به مجنی‌علیه را به مفهوم فقدان رکن روانی جانی تفسیر می‌دانند و صرف رابطه استناد را کافی نمی‌دانند (آقای‌نیا، ۱۴۰۱: ۴۱۷). باید توجه

1. Hans Von Hentig

۱. همچنین ر.ک. به تبصره ۲ ماده ۵۰۸ و تبصره ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی: «در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد، مانند آن که واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان منتفی است».

داشت که در این موضوع، عدم تحقق جرم به علت مخدوش شدن رکن مادی جنایت است، نه لزوماً رکن روانی. برای مثال اگر شخصی قصد قتل دیگری را داشته و با این قصد، به دیگری جراحات جزئی وارد سازد و بعد از آن مجنی علیه (به عمد یا تقصیر) با یک داروی مسموم جراحتش را پانسمان کند، رابطه سببیت میان رفتار جانی و نتیجه (مرگ) که همگی ذیل عنصر مادی است، قطع خواهد شد، هر چند قصد قتل و رکن روانی کماکان وجود داشته باشد؛ لذا صرفاً احراز رکن روانی هیچ ضرورتی در استناد جنایت به جانی نداشته و تنها باید بررسی شود که علت تامه جنایت، رفتار جانی است یا مستند به مجنی علیه است (رونزاد و شاکری، ۱۳۸۲: ۱۵۸)؛ بنابراین اگر جانی قصد جنایت نسبت به اشخاص غیرمعینی را هم داشته باشد، تقصیر مجنی علیه زمانی که رکن مادی را مخدوش سازد، می تواند رابطه سببیت را قطع کند و خود مجنی علیه مسئول قتل خودش شناخته شود (کلانتری و قلی نژاد، ۱۳۹۶: ۹۰). مضاف بر این، تقصیر بزه دیده تنها عامل قطع رابطه سببیت و مانع تحقق جرم نیست، بلکه می تواند از شرایط تحقق برخی از نهادهای ارفاقی در تعیین مجازات نیز باشد؛ لذا قانون گذار ایران برای حمایت کم تر از بزه دیدگانی که با رفتار و گفتار تحریک آمیز، نقشی مؤثر در ارتکاب جرم دارند، در کیفیات مخففه مجازات این موضوع را پیش بینی کرده (جوان و شاهیده، ۱۳۹۲: ۱۳۲) و در ماده ۳۸ مقرر کرده است: «جهات تخفیف عبارت اند از: پ) اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم».

در نتیجه اگر ارتکاب جرم به واسطه تحریک بزه دیده شکل گرفته باشد، قاضی می تواند در مجازات قضائی مرتکب، تخفیف قائل شود و علاوه بر تخفیف در مجازات، می تواند از عوامل تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات نیز شمرده شود. از این رو، گرچه جهات مخففه (مانند تقصیر بزه دیده) به صورت خاص برای کاستن از کیفر قانونی مقرر شده است، اما می توان از آن در قالب یک قاعده عام به عنوان ملاک و شایستگی بزه کار در اعمال بسیاری از نهادهای ارفاقی دیگر نیز کمک گرفت (توجهی، ۱۴۰۲: ۱۹۶). به همین علت، قانون گذار در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یکی از شرایط اعمال این نهادهای ارفاقی را وجود یکی از جهات تخفیف دانسته و از این جهت، رفتار و گفتار

تحریک‌آمیز بزه‌دیده (تقصیر بزه‌دیده) نیز می‌تواند مطابق با بند (پ) ماده ۳۸ از جهات مخففه و از عوامل اعمال نهاد تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات، شمرده شود.

۵-۳. تقصیر شرط ضمان غیر عمدی پزشک

موضوع ملاک مسئولیت کیفری پزشک، همواره در طول تاریخ تقنین کیفری ایران، مورد مناقشه و بحث قرار گرفته است که از اختلاف نظر میان فقیهان امامیه در خصوص ملاک ضمان پزشک نسبت به صدمات جسمانی وارده بر بیمار، نشئت گرفته است. به طور کلی، دو نظر در رابطه با ضمان پزشک وجود دارد: دیدگاه اول که میان فقیهان مشهور است؛ ضمان مطلق پزشک در صورت فوت یا ایراد صدمه جسمانی به بیمار است و حاذق یا غیرحاذق، تقصیر یا عدم تقصیر، اخذ براءت قبلی یا عدم آن در این مسئولیت شرط نیست (عاملی جعی، ۱۴۱۰/ق/۱۰۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۲/ق/۱۴: ۱۹۷). دیدگاه دوم که طرفداران مهمی دارد؛ مسئولیت مطلق طیب یا پرستار، در صورت عدم اخذ براءت است و مهم‌ترین دلیلی که ایشان بر مدعای خود وارد آورده‌اند، ظاهر روایت سکونی از امیرالمؤمنین و امام صادق (علیهما السلام) است (حر عاملی، ۱۴۱۴/ق/۲۴: ۲۶۰؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹/ق/۹۰: ۸۰). دیدگاه سوم که در مقابل نظر مشهور قرار دارد، مسئولیت پزشک را تنها در صورت احراز تقصیر ثابت می‌داند؛ لذا اگر پزشک در فن خود خبره و حاذق باشد، ضامن نیست و اخذ یا عدم اخذ براءت نیز تأثیری در این حکم ندارد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱/ق/۳: ۳۷۳؛ موسوی خوئی، ۲۲۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴/ق/۲۶: ۲۰۱).

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ به تبع نظر مشهور در فقه امامیه در ماده ۳۱۹ مقرر کرده بود: «هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند، هرچند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است».

از منطوق ماده پیدا بود که مقنن جایگاهی برای تقصیر یا اخذ براءت در مسئولیت پزشک قائل نبود و به نوعی معتقد به مسئولیت مطلق پزشک در برابر صدمات وارده به بیمار بوده است. اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویکرد متعادل‌تری نسبت به این

موضوع پیدا کرده و به دیدگاه غیرمشهور درخصوص ضمان پزشک نزدیک شده و در ماده ۴۹۵ مقرر داشته است: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشده باشد و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود. تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل، برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد».

نتایجی که از ماده و تبصره فوق می‌توان گرفت، این است که در وهله اول، ضمان پزشک نسبت به صدمات بدنی بیمار منوط به تقصیر اوست و اگر او در خلال درمان مرتکب تقصیری نشده باشد، ضمان منتفی است و اخذ یا عدم اخذ برائت نیز تأثیری در مسئولیت پزشک ندارد. اما اخذ برائت می‌تواند جایگاه مدعی و منکر را تغییر دهد و در فرض برائت، اصل را بر عدم تقصیر پزشک قرار دهد.

۶-۳. تقصیر از عوامل تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری

مسئولیت کیفری تنها به شخصی تعلق می‌گیرد که در عنصر مادی جرم شراکت یا معاونت داشته باشد و مطابق با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، نمی‌توان شخصی را که در عملیات اجرایی جرم دخالتی نداشته، مجازات کرد. اما به دلیل هماهنگی با مقتضیات روز، تأسیسات حقوقی جدیدی ایجاد شده که یکی از این تأسیسات، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است (گلدوزیان، ۱/۱۳۹۱: ۴۲۹). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به این تأسیس حقوقی جدید پرداخته و در ماده ۱۴۲ مقرر کرده است: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود».

حقوق دانان و نویسندگان، مبانی مختلفی برای توجیه این نوع از مسئولیت کیفری برشمرده‌اند که مهم‌ترین و مشهورترین مبانی ذکرشده، «نظریه خطر» و «نظریه تقصیر»

است. مطابق با نظریه خطر، هرگاه شخصی به فعالیت‌ها و مشاغل خطرآفرین بپردازد، باید خسارات آن را نیز برعهده بگیرد. اما نظریه تقصیر، مسئولیت را به علت اهمال و غفلت از انجام یک تعهد که ممانعت از حصول نتیجه مجرمانه است، می‌داند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۲/۳۲). با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی و مصادیق آن در قوانین متفرقه جزایی، می‌توان نتیجه گرفت؛ اصولاً در حقوق کیفری ایران، دیدگاه دوم پذیرفته شده و بعضاً مبنای مسئولیت ناشی از رفتار دیگری، تقصیر در مراقبت از اعمال مباشر دانسته شده است (رنجبر، ۱۳۹۵: ۹۱). درواقع، مبنای تقصیر برای این نوع از مسئولیت کیفری در مصادیق مهم مسئولیت ناشی از رفتار دیگری به چشم می‌خورد. می‌توان مسئولیت کارفرما درخصوص حوادث کارگاه (موضوع ماده ۹۵ قانون کار مصوب ۱۳۶۹)^۱ را در این خصوص برشمرد. شرط تقصیر در مسئولیت کارفرما نسبت به افعال کارگران به‌صراحت مورد اشاره قرار گرفته و ازاین‌جهت که بر عملکرد شاگرد یا زیردست خود نظارت ننموده و مانع از ارتکاب جرم نشده است، مسئولیت کیفری دارد؛ لذا اگر کارفرما یا رئیس بنگاه بر اعمال زیردستان خود نظارت می‌کردند، می‌توانستند مانع از ارتکاب جرم، چه به‌عمد و چه غیرعمد شوند (حسینجانی و مظاهری تهرانی، ۱۳۸۹: ۵۸).

ممکن است اشکال شود در ابتدای ماده ۱۴۲ و مصادیق آن مانند مسئولیت مدیرمسئول نشریه، به‌شرط تقصیر در مسئولیت اشاره نشده و مسئولیت را به‌طور مطلق متوجه شخصی غیر از مباشر در صورت تعهد قانونی یا قراردادی او قرار داده است، لذا تقصیر در تمام مصادیق مسئولیت ناشی از رفتار دیگری، شرطیت نخواهد داشت.^۲

۱. ماده ۹۵ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مقرر می‌دارد: «مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار برعهده کارفرما یا مسئولین واحدهای موضوع ذکرشده در ماده (۸۵) این قانون خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور ازسوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسئول است».

۲. ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۹ مقرر می‌دارد: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول

در پاسخ می‌توان گفت در قسمت ابتدایی ماده ۱۴۲ و مصادیق آن نیز نوعی تقصیر جزایی نهفته است، اما این تقصیر برخلاف مسئولیت کارفرما، قابل انکار نیست. زمانی که شخص به موجب قانون یا قرارداد متعهد به ممانعت از ارتکاب بزه از سوی دیگری می‌شود، صرف غفلت و عدم ممانعت از ارتکاب بزه توسط مباشر، تقصیر جزایی را واقع می‌سازد و عدم ایفای تعهد، خود از مصادیق تقصیر شمرده خواهد شد (توجهی و کریمیان، ۱۳۹۷: ۲۶۳؛ محسناتبار فیروزجائی، ۱۳۹۷: ۴۲).

بنابراین در مسئولیت مدیرمسئول نشریه یا مسئولیت مربی رانندگی نسبت به رفتار کارآموز، شخص مسئول، تعهد به نتیجه دارد و غفلت از انجام وظیفه (ممانعت از حصول نتیجه مجرمانه)، خود به معنای تقصیر است؛ لذا صرف ارتکاب حادثه در نتیجه رفتار کارگر، تقصیر کارفرما در رعایت ضوابط ایمنی و بهداشتی یا آموزش آن به کارگر را مفروض می‌سازد و کارفرما باید عدم تقصیر خود را اثبات کند (محمدی، ۱۳۹۵: ۶۸). تقصیر مدیرمسئول نشریه نیز به علت تعهد قانونی به عدم انتشار مطالب غیرقانونی، به صرف انتشار، محرز و انکارناپذیر است و عنصر «غفلت» که در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است، این مدعا را می‌تواند تا حدودی توجیه کند.

۷-۳. تقصیر از عوامل تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی

پاسخ دقیقی به پرسش از جایگاه تقصیر در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نیازمند شناسایی مبنای تحقق این نوع از مسئولیت در نظام کیفری ایران است. معمولاً مبنای مسئولیت اشخاص حقوقی، ذیل دو دیدگاه کلی «شناسایی یا مغز متفکر» و «تقصیر مافوق» خلاصه می‌شود. مطابق با دیدگاه اول، مسئولیت کیفری تنها در صورت ارتکاب جرم از جانب نمایندگان اصلی شخص حقوقی تحقق می‌یابد (کلارکسون، ۱۳۹۸: ۲۳۲). دیدگاه دوم که مورد تأکید قانون جزای نمونه آمریکا قرار گرفته است، مسئولیت را دائرمدار تقصیر در نظارت و مراقبت می‌داند (George Dix, 2010: 26). هرچند «ماده ۱۴۳ قانون

۴

جهت مجازات به محاکم قضائی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.»

مجازات اسلامی ۱۳۹۲»^۱ نظریه نخست را مقرر کرده است، اما با تدقیق در قوانین جزایی ایران، می‌توان دریافت که نظام کیفری ایران هردو دیدگاه را به تناسب جرائم مختلف پذیرفته است؛ توضیح این که اصولاً در جرائم تعزیری، معیار نخست؛ یعنی ارتکاب جرم توسط نماینده قانونی آن مدنظر است، لکن در جرائم رایانه‌ای، معیار تقصیر نیز مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است. دلیل این مدعا، بند (ب) از ماده ۷۴۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که ارتکاب جرم توسط کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت را از شرایط مسئولیت شخص حقوقی به‌شمار آورده است. با این حال در جنایات، نظریه تقصیر به نحو مطلق حکم‌فرماست که از مصادیق آن، می‌توان به تبصره ۲ ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد.^۲

۸-۳. تقصیر؛ قوام‌بخش تحقق برخی از جرائم تعزیری

با تدقیق در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، از دیگر آثار تقصیر در حقوق کیفری ایران، قوام‌بخشی آن در شکل‌گیری رکن روانی برخی از جرائم تعزیری است:

۸-۳-۱. تقصیر شرط تحقق جرم تخلیه اطلاعاتی

بنابه اهمیت حفظ اطلاعات امنیتی و طبقه‌بندی‌شده، قانون‌گذار علاوه بر جرم‌انگاری عمدی در اختیار گذاشتن این اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به دشمن بیگانه، ارتکاب آن به‌صورت غیرعمدی را نیز جرم‌انگاری کرده است. به همین جهت در ماده ۵۰۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر کرده است: «چنانچه مأمورین دولتی که

۱. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود».

۲. تبصره ۲ ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این گونه حوادث را بر عهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند».

مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آن‌ها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.

از آنجایی که بی‌مبالاتی مأموران نگهداری اطلاعات طبقه‌بندی شده، می‌تواند جاسوسی را آسان کند و زبانی گسترده را موجب شود، قانون‌گذار به این موضوع واکنش نشان داده است (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۹۷). اما نکته مهمی که از این ماده برداشت می‌شود، این است که: «این جرم یک جرم مادی صرف نیست که بدون وجود عنصر روانی تحقق یابد، بلکه برای تحقق آن هرچند عنصر روانی قصد و نیت ضروری نیست، ولی یک درجه کم‌تر از آن، یعنی احراز "بی‌مبالاتی" ضروری است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). باین‌حال، تقصیر مأمور، دائرمدار آموزش‌هایی است که از قبل به او داده شده و مصداقی از «عدم رعایت نظامات دولتی» است و گونه‌هایی از تقصیر مانند؛ عدم مهارت، به علت آموزش قبلی مأمور حفاظتی، در این جرم قابل‌تصور نیست (زراعت، ۱۳۹۰: ۱۱۷). مضاف بر این، تلقی تخلیه اطلاعاتی به‌عنوان یک نتیجه به‌جای رفتار فیزیکی را نمی‌توان آن‌گونه که برخی از نویسندگان اظهار داشته‌اند (پیمانی، ۱۳۹۲: ۴۰)، دال بر عدم لزوم اصدار یک رفتار فیزیکی از جانب مأمور دانست، زیرا تقصیر یک مفهوم عینی ذهنی است و ضروری است که یک رفتار خارجی نامتعارف اعم از فعل یا قول نیز از جانب مأمور سر بزند (آقای‌نیا و رستمی، ۱۴۰۰: ۱۰۲؛ پور بافرانی، ۱۳۹۰: ۹۱، ۹۲).

علاوه بر این، جرم تخلیه اطلاعاتی از روی تقصیر در بستر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نیز به‌صورت مجزا مورد واکنش کیفری قرار گرفته و در ماده ۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مقرر کرده است: چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه‌های مربوط هستند و به آن‌ها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آن‌ها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون

(۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

۲-۸-۳. تقصیر از عوامل مسئولیت کیفری مستحفظ از اماکن و اموال مهر یا پلمپ شده

قانون‌گذار در ماده ۵۴۳ از کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، محو یا شکستن مهر یا پلمپ محل یا چیزی را که به دستور مقامات صالح رسمی اقدام شده مورد جرم‌انگاری قرار داده و مقرر کرده است: «هرگاه محلی یا چیزی برحسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آن‌ها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود، مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود».

مخاطب قانون‌گذار در این جرم‌انگاری، تنها مباشر عمل محو یا شکستن مهر یا پلمپ نیست، بلکه اگر رفتار مباشر به واسطه تقصیر مستحفظ واقع شود، برای شخص اخیر نیز مسئولیت کیفری قائل است؛ لذا اگر در اثر تقصیر وی، نتایج موردنظر مقنن به وقوع پیوندد و میان تقصیر مستحفظ و محو یا شکسته شدن پلمپ، رابطه سببیت برقرار باشد، جرم تقصیری موضوع ماده مزبور، محقق خواهد شد.

۳-۸-۳. تقصیر از عوامل مسئولیت کیفری مباشر ثبت و ضبط اسناد دولتی

یکی دیگر از جرائمی که می‌توان آن را در زمره جرائم تقصیرمدار به‌شمار آورد، بزه موضوع ماده ۵۴۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آن‌ها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا معدوم شود، دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد

مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آن‌ها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

مطابق با این ماده، چنانچه اسناد و مدارکی که در اختیار یا امانت نزد دولت است، به واسطه تقصیر مابشری که مأمور حفظ آن‌هاست، اعم از بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی در نگهداری و مراقبت، توسط شخص دیگری، تخریب یا معدوم و یا سرقت شود، برای مقصر در نگهداری و مراقبت، مجازات حبس در نظر گرفته شده است. البته باید توجه داشت که تحقق این بزه مشروط به تحقق نتایج حصری آن یعنی سرقت، تخریب یا معدوم شدن اسناد دولتی است. به همین دلیل اداره کل حقوقی قوه قضائیه با عنایت به قرار داشتن جرائم تقصیری در زمره استثنائات اصل عمدی بودن مسئولیت کیفری، مصادیق دیگری مانند مفقود شدن اسناد مزبور به واسطه تقصیر مستحفظ را مشمول این ماده ندانسته است.^۱

البته تقصیر کارمندان یا کارکنان دولت در استفاده از سایر اموال و وجوه دولتی که موجب تضییع اموال و وجوه مزبور شود، می‌تواند مسئولیت کیفری را برای افراد مذکور تحقق بخشد، زیرا وظیفه مراقبت یا حفظ آن اموال از جمله شرایط و اوضاع و احوال رکن مادی این جرم به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه تنها سپرده شدن این اموال بر حسب انجام وظیفه، کافی خواهد بود.^۲

۳-۴. تقصیر از عوامل مسئولیت کیفری مأمور مراقبت و دستگیری

از دیگر جرائم تقصیری که مورد واکنش کیفری قرار گرفته است، فرار محبوسان به واسطه تقصیر مأمور مراقبت یا فرار مظنونان یا متهمان به واسطه اهمال مأمور دستگیری در حین اجرای وظیفه است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۴۸ از کتاب پنجم مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده

۱. ر.ک. به: نظریه مشورتی شماره ۷/۷۴۵۱ - ۱۳۸۳/۱۰/۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۲. قسمت اخیر ماده ۵۹۸ از کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «...و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد [علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود].»

در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

اگر مأمور مراقبت از محبوسان به واسطه تقصیر و اهمال، موجب فرار زندانی (چه از داخل زندان و چه بیرون از زندان شود)، مشمول این ماده قرار می‌گیرد. برخی از حقوق‌دانان، این جرم غیر عمدی را از مصادیق جرائم علیه عدالت قضائی به‌شمار نیاورده‌اند (کوشا، ۱۳۸۱: ۷۸). به نظر این ماده نیز یکی از مصادیق جرائم علیه عدالت قضائی است و تقصیر می‌تواند جایگزین عمد در تحقق این گونه جرائم باشد و آنچه برای تحقق این جرائم اهمیت دارد، انحراف مسیر اجرای عدالت توسط مجریان قانون است. یکی از نویسندگان درخصوص مصادیق تقصیر در این ماده بیان داشته است: «قانون‌گذار از بین تمام اقسام تقصیر (بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت) در این ماده، تنها به مسامحه و اهمال مأمور اشاره کرده است؛ یعنی جرم، ناشی از بی‌مبالاتی مأمور به انجام وظیفه محوله حاصل می‌گردد» (ولیدی، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

به نظر می‌رسد از دیدگاه ایشان، بزه موضوع این ماده تنها به واسطه ترک فعل مأمور قابل تحقق باشد. اما علی‌رغم اینکه مطلب فوق قبل از تصویب ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نگاشته شده و در زمان نگارش گزاره فوق، مصادیق تقصیر، حصری بوده نه تمثیلی؛ مقصود ماده مذکور از مسامحه و اهمال صرف احراز تقصیر است و تمام گونه‌های بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی را در برمی‌گیرد؛ بنابراین اگر مأمور از روی بی‌احتیاطی نسبت به حضور محبوسان در زندان، در زندان را باز کند و پس از مراجعت، محبوسان فرار کنند، باز هم جرم موضوع ماده ۵۴۸ تحقق پیدا می‌کند.

جرم تقصیری دیگر که توسط مأموران ارتکاب می‌یابد، اهمال و تقصیر در انجام وظیفه (دستگیری) است که مورد تصریح ماده ۵۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی قرار گرفته و مقرر داشته است:

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یک‌صد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت

بوده که منجر به فرار وی شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

از نظر برخی، مقصود قانون‌گذار تنها غفلت از دستگیری و به‌نوعی ترک فعل از جانب مأمور است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۵۲۴) و در نظر برخی دیگر، فرار شخص جلب‌شده پس از دستگیری به واسطه تقصیر مأمور است (ولیدی، ۱۳۸۹: ۲۲۱) و یا این که می‌تواند تمام این مصادیق و گونه‌های دیگر را نیز شامل شود (زراعت، ۱۳۹۲: ۲/۸۸).

با این حال، لزوم تفسیر مضیق در حقوق کیفری اقتضا دارد که این بزه تنها مقید به فرار شخص جلب‌شده باشد و صرف تقصیر مأمور بدون این که منجر به فرار شود، داخل در ارکان جرم مزبور نشود، هرچند این تفسیر نیز از ضرورت اصلاح ماده ۵۵۰ نمی‌کاهد. برخی برای حل ابهام از قسمت اخیر ماده فوق، عمد را از عوامل تشدیدکننده کیفر برشمرده‌اند (طارمی، ۱۳۸۸: ۵).

قبول این توجیه از این جهت مشکل است که گویی نویسنده، اصل را بر غیرعمدی بودن جرائم دانسته و عمد از عوامل مشدده جرم به‌شمار می‌آورد! در نتیجه باید در صورت شک و ابهام، رفتارهای مجرمانه را عامدانه دانست. مضافاً این که مسامحه به قصد مساعدت، تعبیر گول‌زننده و نادرستی است، زیرا مسامحه ماهیتی غیرعمدی دارد و نمی‌توان یک مفهوم غیرعمدی را در کنار عمد قرار داد. بنابراین با عنایت به اصل عمدی بودن جرائم و تفسیر مضیق، باید عنصر روانی بزه مورد اشاره در قسمت اخیر این ماده، عمدی قلمداد شود و این رفتار را جرم مجزایی تحت عنوان «فراری دادن شخص جلب‌شده توسط مأمور» به‌شمار آورد.

۳-۸-۵. تقصیر از عوامل تحقق مسئولیت کیفری تاجر ورشکسته

یکی از مهم‌ترین جرائم تقصیری مصرح در قانون مجازات اسلامی، ورشکستگی به تقصیر است. می‌توان هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری ورشکستگی به واسطه تقصیر را پیشگیری از ورشکستگی و عواقب دشوار آن دانست (کاویانی، ۱۳۹۵: ۶۰).

قانون تجارت دو نوع از ورشکستگی به تقصیر را مورد اشاره قرار داده که یکی اجباری و دیگری اختیاری است. مقصود از اجباری این است که در صورت احراز یک سری از مصادیق تقصیر، دادگاه موظف به صدور حکم ورشکستگی است و بالتبع جرم مزبور تحقق می‌یابد. این مصادیق در «ماده ۵۴۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱»^۱ احصا شده است. ورشکستگی به تقصیر اختیاری نیز به معنای اعلام ورشکستگی در صورت تشخیص قاضی با وجود مصادیق تقصیری قیدشده در قانون است که این مصادیق در «ماده ۵۴۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱»^۲ مورد اشاره قرار گرفته است. درنهایت نیز هر دو مصداق از ورشکستگی به تقصیر مورد واکنش کیفری قرار گرفته است و در «ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی»^۳ جرم‌انگاری شده‌اند. در رابطه با رکن روانی این بزه، نظرات مختلف است، اما برخی آن را از زمره جرائم مادی صرف برشمرده‌اند (فضلعلی، ۱۳۹۸: ۴۰).

۱. ماده ۵۴۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد: «تاجر در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: (۱) در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است. (۲) در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. (۳) اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از این که از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد. (۴) اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد».

۲. ماده ۵۴۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود: (۱) اگر به حساب دیگری و بدون آن که در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آن‌ها، آن تعهدات فوق‌العاده باشد. (۲) اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد. (۳) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت خود را اعم از قروض و مطالبات به‌طور صریح معین نکرده باشد، مشروط بر این که در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد».

۱. ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی در مقام نسخ ماده ۵۴۳ قانون تجارت مقرر داشته است: «مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است».

این برداشت قابل قبول نیست، زیرا با ملاحظهٔ مصادیق مورد اشارهٔ مواد ۵۴۱ و ۵۴۲، می‌توان دریافت که اعمال مذکور در عرف تجاری، امری غیرمتعارف تلقی می‌شوند و تقصیر نیز به معنای ارتکاب یک یا چند رفتار نامتعارف علی‌رغم پیش‌بینی نتیجه یا عدم پیش‌بینی باوجود توانایی در آن است. در این فرض نیز شخص تاجر اعمال نامتعارف مذکور را علی‌رغم توانایی در پیش‌بینی حصول ورشکستگی، مرتکب می‌شود (عرفانی، ۱۳۸۸: ۱۲). آری اگر صرف ارتکاب رفتارهای نامتعارف مزبور یا صرف ورشکستگی، جرم تلقی می‌شد، مادی صرف قلمداد کردن آن وجاهت قانونی داشت. حال آنکه این رفتارها زمانی مجرمانه هستند که نتیجه (ورشکستگی) را باعث شوند.

۳-۶. تقصیر از عوامل تحقق جرائم راهنمایی و رانندگی

قانون‌گذار در فصل بیست و نهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، جنایت غیرعمدی علیه نفس و مادون نفس را که ناشی از تقصیر در رانندگی است، مورد جرم‌انگاری تعزیری قرار داده و برای هر یک از صور آن مجازات‌هایی در نظر گرفته است. مادهٔ ۷۱۴ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مقرر می‌دارد:

هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالائی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیهٔ زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیلهٔ موتوری منتهی به قتل غیرعمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ اولیای دم محکوم می‌شود.

واضح است که مقنن جنایتی را که ماهیتش خطای محض است، به واسطهٔ تقصیر در رانندگی وسایط نقلیه و وقوع نتیجه را مورد جرم‌انگاری از نوع تعزیری قرار داده و علاوه بر مجازات اصلی آن که «دیه» است، حبس تعزیری را هم به آن اضافه کرده است. مهم‌ترین نکته‌ای که باید بدان توجه شود این است که برای تحقق این جرم، تقصیر باید سبب نتیجهٔ مجرمانه باشد و صرف احراز بی‌احتیاطی و بی‌مبالائی در رانندگی موجب تحقق این بزه نخواهد شد. به بیان دیگر: «صرف غیرقانونی بودن عمل راننده و حتی جرم بودن آن برای مقصر دانستن او در وقوع جنایت کفایت نمی‌کند و دادگاه نمی‌تواند صرف

تخلف را بدون دلیل کافی دیگری که مؤید تقصیر مؤثر راننده یا متصدی در وقوع جنایت است، مستند تقصیر در وقوع جرم قلمداد نماید» (آقای نی، ۱۴۰۱: ۵۱۶).

در نتیجه، ضرورت دارد تا میان این تقصیر و جنایت حاصله، رابطه سببیت وجود داشته باشد، برای مثال سرعت غیرمجاز راننده موجب تصادف با عابر پیاده شده یا عدم توجه به تابلوی راهنمایی رانندگی موجب برخورد با یک رهگذر شده است. قانون گذار در مواد «۷۱۵»، «۷۱۶»^۲ و «۷۱۷»^۳ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی، منتهی شدن تقصیر در رانندگی به جنایات مادون نفس را نیز مورد جرم انگاری قرار داده و در این موارد هم باید میان تقصیر جزایی و جنایات های مادون نفس مذکور، رابطه سببیت احراز شود.

نتیجه

جرائم تقصیرمدار در سیستم جزایی ایران، امروزه بسط پیدا کرده است و قانون گذار تمایل بیشتری به جرم انگاری این نوع از رفتارها که دائرمدار عمد جزایی نیستند، پیدا کرده است. اصل عمدی بودن مسئولیت کیفری، تا حدودی در مقابل مسئولیت کیفری تقصیرمدار،

۱. ماده ۷۱۵ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می دارد: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴ موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود، مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود».

۲. ماده ۷۱۶ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می دارد: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد».

۳. ماده ۷۱۷ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می دارد: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود».

جزمیت و خدشه‌ناپذیری خود را از دست داده و این موضوع، ورود حقوق کیفری به این نوع از رفتارها را تا حدودی مشروعیت بخشیده است. از این‌رو، مرجع قضائی باید ضابطه‌ای مفهومی در دست داشته باشد تا به کمک آن، تقصیر جزایی را احراز و آثار مهم این مفهوم را شناسایی و اعمال کند. غالباً تفسیر دکترین از ماهیت تقصیر، عینی بودن آن یا به بیان دیگر، فاصله خصوصیات رفتاری با رفتار متعارف جامعه است و صرف عدم پیش‌بینی نتیجه توسط مرتکب و ارتکاب یک رفتار ارادی خارج از رفتار متعارف را تقصیر جزایی قلمداد کرده‌اند. با ارائه ارکان و ضوابط تقصیر جزایی، مشخص می‌شود که اراده در مقدمات به هیچ‌وجه در شکل‌گیری تقصیر شرطیت نداشته و تنها اختیار است که در ساختار این مفهوم، از ضرورت وجودی برخوردار است. مضاف بر این، صرف عدم پیش‌بینی نتیجه مجرمانه پس از ارتکاب یک رفتار خطرناک، با شناسایی مفهوم اختیار، نمی‌تواند مرتکب را مقصر سازد، زیرا پیش‌بینی نتیجه پس از ارتکاب رفتار را که با قیاس اولویت از فرض قبلی شریانه‌تر است از دایره تقصیر خارج خواهد ساخت. علاوه بر این، از حیث آثار نیز با ملاحظه و تدقیق در قانون مجازات اسلامی و برخی از قوانین کیفری خاص، کاملاً هویدا است که مفاهیمی مانند تسبیب غیرعمدی در جنایت، مسئولیت کیفری پزشک، مسئولیت ناشی از رفتار دیگری، مجازات کیفری تاجر ورشکسته و برخی از جرائم علیه عدالت قضائی، همگی دائرمدار تقصیر جزایی شکل گرفته‌اند و قانون‌گذار به‌علت مواجهه با نتایج خطرناکی که برخی از رفتارهای تقصیرمدار دارند، دچار یک کرنش نسبی در اصول جرم‌انگاری شده و دایره جرائم غیرعمدی را گسترش داده است؛ از این رو خطرات بالقوه در برخی از فعالیت‌ها و ظهور جلوه‌های نوین تقصیر، خصوصاً برخی فعالیت‌ها در بسترهای مجازی، توسعه جرم‌انگاری این گونه رفتارها برای تحقق مسئولیت اجتماعی را می‌طلبد.

منابع

الف) منابع فارسی

- احدی، فاطمه (۱۳۹۳)، **اندیشه‌های نو در باب خطای کیفری**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ (۱۳۸۳)، **حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- امامی، سید حسن (۱۳۸۳)، **حقوق مدنی**، جلد اول، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- امینی، مهدی و آقابابائی طاقانکی، عظیم و قدیری بهرام آبادی، رشید (۱۴۰۲)، «عناصر جرائم شرکتی ورشکستگی به تقصیر یا تقلب در نظام کیفری ایران»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، دوره ۲۸، شماره ۱۰۴.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۴۰۱)، **جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات)**، تهران: انتشارات میزان.
- آقایی‌نیا، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۰)، **جرائم علیه مصالح عمومی کشور**، تهران: انتشارات میزان.
- بادینی، حسن (۱۳۸۹)، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف در تشخیص تقصیر»، **فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۱.
- باهری، محمد (۱۳۸۱)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات رهام.
- بوشهری، جعفر (۱۳۸۷)، **حقوق جزا (جبران خسارت)**، جلد سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بیگی، جمال و یزدانی، حکیمه (۱۳۹۸)، «نقش بزه‌دیده بر مسئولیت بزه‌کار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزهای بزه‌دیده‌شناسی علمی»، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۳۹.
- پاک‌روش، کبری (۱۳۸۷)، «بزه‌دیده‌شناسی؛ رویکردی جدید به بزه‌دیده»، **فصلنامه امنیت اجتماعی**، شماره ۱۳.
- پرادل، ژان (۱۳۹۶)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: جنگل (جاودانه).
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۹۲)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: انتشارات میزان.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷)، **جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- توجهی، عبدالعلی (۱۴۰۲)، **نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

- توجهی، عبدالعلی و کریمیان، هاله (۱۳۹۷)، «مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۴.
- جاویدان، لاله و کریمی‌وانانی، مرضیه (۱۳۹۶)، **اراده و آگاهی و نقش آن در جرائم عمدی**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- جوان‌جعفری، عبدالرضا و شاهیده، فرهاد (۱۳۹۲)، «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده»، **نشریه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی**، شماره ۵.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶)، **جرائم علیه اشخاص (قتل)**، تهران: میزان.
- حسینجانی، بهمن و مظاهری‌تهرانی، مسعود (۱۳۸۹)، **اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۳۷۸)، **استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین‌الملل**، جلد اول، قم؛ کلبه شروق.
- حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۰۰)، **رسالة توضیح المسائل جامع**، جلد چهارم، قم: دفتر آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی.
- خدادی، ابوالقاسم (۱۳۹۸)، **پیشگیری بزه‌دیده‌مدار**، تهران: میزان.
- خدادی، ابوالقاسم و خالدی، علی (۱۴۰۰)، «بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی»، **فصلنامه فقه جزای تطبیقی**، شماره ۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رایجیان، مهرداد و جوادی، حسین (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی اصل تقصیر در حقوق جنایی»، **نشریه اندیشمندان حقوق**، شماره ۳.
- رنجبر، حسین (۱۳۹۵)، **مسئولیت کیفری نیابتی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رونزاد، علیرضا و شاکری، ابوالحسن (۱۳۸۲)، «عوامل قطع رابطه انتساب در قتل در حکم شبه‌عمد»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۳.
- زراعت، عباس (۱۳۹۰)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: جنگل (جادوانه).
- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: جنگل (جادوانه).
- سلطانی، مهدی (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی (مجرم و مسئولیت کیفری)**، جلد دوم، تهران: دادگستر.
- سلیمانی‌اصل، حشمت‌الله (۱۳۸۱)، **بررسی و تحلیل عنصر خطای جزایی در فقه و حقوق ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه مازندران.

- شوشتری، سید محمدحسن (۱۳۹۷)، **دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام**، تصحیح عباس شیر، تهران: میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: طرح نو.
- صفریان، مهدی (۱۳۹۲)، **نقش تقصیر عمدی در مسئولیت مدنی**، تهران: جنگل (جاودانه).
- طارمی، محمدحسین (۱۳۸۸)، «عدالت قضائی و جرائم پیرامونی»، **نشریه پگاه حوزه**، شماره ۲۶۳.
- طاهری‌نسب، سیدزلاله (۱۳۸۸)، **رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان**، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
- عابدی، احمدرضا (۱۳۹۷)، **نگرشی کاربردی به دیات**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- عابدی، احمدرضا (۱۴۰۰)، **نگرشی کاربردی به حقوق جزای عمومی**، تهران: مرکز نشر و مطبوعات قوه قضائیه.
- عالی‌پور، حسن و کارگری، نوروز (۱۳۸۹)، **جرائم ضد امنیت ملی**، تهران: خرسندی.
- عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۸)، «بزه‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی»، ترجمه و توضیح اسماعیل رحیمی‌نژاد، **فصلنامه مفید**، شماره ۱۸.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۸)، **حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه اموال)**، تهران: انتشارات جنگل (جاودانه).
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، **حقوق جنایی**، جلد اول، تهران: فردوسی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «قرآن کریم و قاعده احسان»، **نشریه حقوق اسلامی (فقه و حقوق اسلامی سابق)**، شماره ۱۷.
- عمید، حسن (۱۳۸۴)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر.
- فضلعلی، محمدهادی (۱۳۹۸)، **ورشکستگی به تقصیر و تقلب**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۴)، **تسبیب در قوانین کیفری**، تهران: جنگل (جاودانه).
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۹۵)، **وقایع حقوقی (مسئولیت مدنی)**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاویانی، کورش (۱۳۹۵)، **حقوق ورشکستگی**، تهران: میزان.
- کلانتری، کیومرث و قلی‌نژاد، بهروز (۱۳۹۶)، «نقش رفتار مقتول در رابطه استناد قتل عمدی»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۹.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، **جرائم علیه عدالت قضائی**، تهران: میزان.

- گرایلی، محمدباقر (۱۳۹۱)، «عنصر خطای جزایی در حقوق کیفری ایران و کامن‌لا»، **نشریه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی**، شماره ۳.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی ایران**، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، **محمشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- محسناتبار فیروزجانی، همایون (۱۳۹۷)، **مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق و رویه قضائی ایران**، تهران: دادگستر.
- محسنی، فرید و ملکوتی، نصیر (۱۳۹۴)، «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۹۱.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۳)، **دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)**، جلد دوم، تهران: گنج دانش.
- معتمد، محمدعلی (۱۳۵۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی معین**، تهران: زرین.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۸۶)، **مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)**، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹)، **جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص**، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹)، **جرائم علیه مصالح عمومی کشور**، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: انتشارات دادگستر.
- نجیب‌حسینی، محمود (۱۳۸۶)، **رابطه سببیت در حقوق کیفری**، ترجمه سید علی عباس نیای زارع، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- نوربها، رضا (۱۳۹۷)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تجدیدنظر: عباس شیروی، تهران: انتشارات میزان.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۹)، **جرائم علیه عدالت قضائی و اقتدار و نظم عمومی**، تهران: جنگل (جاودانه).
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۴۰۰)، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)**، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

ب) منابع عربی

- ابن إدريد، أبوبکر محمد (۱۹۷۸م)، **جمهره اللغة**، الجزء الثاني، الطبعة الأولى، بيروت: دارالعلم للملایین.

- ابن فارس، أحمد (١٣٩٩ق)، **معجم مقاييس اللغة**، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، جزء الخامس، الطبعة الأولى، بيروت: دارالفكر.
- ابن فهدحلي، جمال الدين أحمد (١٤٠٧ق)، **المهذب البارع في شرح المختصر النافع**، الجزء الخامس، طبعه الأولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
- جبعي عاملي، زين الدين (١٤١٠ق)، **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية**، تحقيق: محمد كلاتر، الجزء العاشر، الطبعة الأولى، قم: مطبعة و مكتبة الداوري.
- جبعي عاملي، زين الدين (١٤١٩ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، الجزء الخامس عشر، كتاب القصاص، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- جوهرى، أبونصر إسماعيل (١٤٠٧ق)، **الصالح تاج اللغة و صحاح العربية**، الجزء الثاني، الطبعة الرابعة، بيروت: دارالعلم للملایین.
- حرعاملي، محمد بن حسن (١٤١٤ق)، **وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، الجزء الخامس عشر، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حسيني روحاني، سيد محمدصادق (١٤١٤ق)، **فقه الصادق**، الجزء السادس والعشرون، كتاب الدييات، الطبعة الثالثة، قم: مؤسسه دارالكتاب.
- حسيني شيرازی، سيد محمد (١٤٠٩ق)، **الفقه؛ موسوعة الإستدلالية في الفقه الإسلامي**، الجزء التسعون، كتاب الدييات، الطبعة الثانية، بيروت: دارالعلوم للطباعة و النشر و التوزيع.
- حسيني عاملي، سيد محمدجواد (بی تا)، **مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلامه**، الجزء العاشر، بيروت: دارالإحياء التراث العربي للطباعة و النشر و التوزيع.
- حلي، حسن بن يوسف (١٤١٩ق)، **قواعد الأحكام في معرفه الحلال و الحرام**، الجزء الثالث، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامي لجماعه التابعة لجماعه المدرسين.
- حلي، علامه حسن بن يوسف (١٤١٠ق)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، الجزء الثاني، تحقيق: فارس الحسون، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعه المدرسين.
- حلي، علامه حسن بن يوسف (١٤٢٠ق)، **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإماميه**، تحقيق: إبراهيم البهادرى، الجزء الخامس، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه الإمام الصادق.
- حلي، فخرالمحققين محمد بن حسن (١٣٨٧ق)، **إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القوائد**، الجزء الرابع، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه إسماعيليان.
- حلي، محقق جعفر بن حسن (١٤٠٨ق)، **شرايع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام**، تصحيح: عبدالحسين محمد على بقال، الجزء الرابع، كتاب الدييات، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه إسماعيليان.

- حلی، محقق جعفر بن حسن (١٤١٠ق)، **المختصر النافع في فقه الإماميه**، الطبعة الثالثة، طهران: قسم الدراسات الإسلامية في مؤسسه البعثه.
- حلی، محمد بن إدريس (١٤١١ق)، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى**، الجزء الثالث، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
- زبیدی، مرتضی (١٤١٤ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، الجزء السابع، بیروت: دارالفکر.
- طباطبائی، سیدعلی (١٤١٢ق)، **ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل**، الجزء الرابع عشر، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
- طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٠ق)، **النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى**، کتاب الدیات، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتاب العربی.
- فاضل هندی، بهاء الدین (١٤٢٤ق)، **كشف اللثام عن قواعد الأحكام**، الجزء الحادی عشر، کتاب الجنایات، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
- فراهیدی، أبو عبد الرحمن خلیل (١٤١٠ق)، **کتاب العین**، الجزء الخامس، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه دارالهجره.
- فیروزآبادی، أبوطاهر مجدالدین (١٤٢٦ق)، **القاموس المحيط**، الجزء الأول، الطبعة الثامنة، بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة و النشر و التوزیع.
- معلوف، لویس (١٣٧٤)، **المنجد فی اللغة و الأعلام**، ترجمه محمد بندرریگی، چاپ اول، تهران: انتشارات ایران.
- مقدس أردبیلی، أحمد (١٤١٦ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، الجزء الثالث عشر، کتاب الجنایات، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
- موحدی لکرنائی، محمدفاضل (١٣٨٣)، **القواعد الفقهیه**، الجزء الأول، الطبعة الأولى، قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار (ع).
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (١٣٧٣)، **القواعد الفقهیه**، تحقیق: محمدحسن درایتی و مهدی مهریزی، الطبعة الأولى، قم: نشرالهادی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (١٣٩٠ق)، **تحریر الوسیله**، الجزء الثاني، کتاب الدیات، الطبعة الثانية، النجف الاشرف؛ مطبعة الآداب.
- موسوی خویی، سید أبو القاسم (١٣٩٦ق)، **مبانی تکمله المنهاج**، الجزء الثاني، کتاب الدیات، الطبعة الثانية، النجف الأشرف؛ مکتبه و مطبعة الآداب.
- موسوی عاملی، سید محمد (١٤٢٩ق)، **مدارک الأحكام فی شرح شرائع الإسلام**، الجزء السادس، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

➤ نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تحقیق: رضا استادی، الجزء الثالثه و الأربعون، کتاب الدیات، الطبعة السادسة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

(ج) منابع انگلیسی

- Ashworth A., & Horder J. (2013), **Principles of Criminal Law**, Seventh Edition, Oxford University Press.
- Wallace, H., & Roberson, C. (2001), **Principles of Criminal Law**, Second Edition, A Pearson Education Company
- Wilson, W. (2011), **Criminal Law; Doctorine and Theory**, Fourth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Hall, D. (2012), **Criminal Law and Procedure**, Sixth Edition, NewYork: Delmar Cen Gage Learning
- Duff, R.A., & Green, S. (2011), **Philosophical Foundation of Criminal Law**, First Edition, Oxford University Press.
- Dix, E. G. (2010), **Criminal Law**, Nineteenth Edition, Minnesota: Gilbert Law Summaries West Publishing.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی